

بسمه تعالی

## خدمات منفی یا مثبت دانشگاه آزاد؟

یک زمانی از دانشگاه آزاد متنفر بودم. احساس میکردم این دانشگاه فقط برای استثمار خانواده‌ها و خالی کردن جیب آنها ایجاد شده و هدف دیگری ندارد. برخی اقوام ما در دانشگاه آزاد درس می‌خواندند. خانواده‌هایی را می‌دیدم که برای تامین هزینه‌های دانشگاه فرزندانشان به رنج و سختی افتاده و دانشجویانی که برای تامین هزینه‌هایشان هر کاری میکردند. ولی پس سالها فهمیدم که نباید فقط جنبه‌های منفی را دید. تحول فرهنگ عمومی جامعه ایران و ارتقای سطح فکری خانواده‌ها و حتی طرز حرف زدن مردم تا حد زیادی مرهون همین دانشگاه آزاد است. یک روز داشتیم فیلمهای خانوادگی حدود ۳۰ سال قبل را نگاه میکردیم. بوضوح میدیدم که اصلا حرف زدن‌های افراد و خانواده‌ها از زمین تا آسمان فرق کرده. به قول معروف "باکلاس‌تر و ادبی‌تر شده". داشتیم فکر میکردم که چه شد که اینقدر تغییرات در جامعه و فرهنگ ایران پیدا شد. پس از کلی تفکرات عمیق! دیدم انصافا و واقعا علتی جز دانشگاه آزاد نمی‌تواند داشته باشد. دانشگاه آزاد، تحصیلات دانشگاهی را به نزدیک خانه‌های مردم برد. به شهرها و شهرستانها و روستاها. کاری که دانشگاه‌های دولتی هرگز و هرگز نمی‌توانستند بکنند. یکی از اقوام ما ساکن نراق بود. یک شهر کوچک. می‌دیدم که حتی در آن شهر کوچک نیز یک شعبه دانشگاه آزاد وجود دارد که دختران و پسران آن شهر میتوانند آنجا تحصیل کنند. مثلا در قشم هم مینطوری بود. حدود ۲۰ سال پیش که قشم یک جزیره کم جمعیت و مهجور بود، دانشگاه آزاد آنجا فعال و دارای رشته‌های متعدد بود. بسیاری از دختران و زنان سرزمین ما اگر دانشگاه آزاد نبود هرگز شانس برای تحصیلات عالی نداشتند. بدیهیست در خانواده‌هایی که مادران و زنان آن تحصیلکرده باشند، چه تاثیر عمیقی بر جو خانواده دارند و نسل بعدی به مراتب بهتر تربیت می‌شوند. یک زمانی سطح فرهنگ مردم ما به قدری پایین بود که مردم برای هر چیزی به جان هم می‌افتادند و کتک کاری میکردند. از بچه‌های مدرسه‌ای که افتخارشان قرار گذاشتن دم درب مدرسه و کتک کاری بود تا محله‌های مختلف شهری که متعدد شاهد جولان ارادل و جوانان پردردسر بود تا روستائینی که بخاطر یک بز یا گوسفند با بیل و داس به جان هم می‌افتادند و کتک کاری و قتل براه می‌انداختند که سالهای طولانی ادامه پیدا میکرد. در ورودی شهرها و روستاها و مناطق خلوت براحته زورگیری می‌شد و زنان جرات نداشتند بدون همراه، بین شهرها یا حتی مناطق مختلف داخل شهر رفت و آمد کنند و امنیت در سطح پایینی بود. فرهنگ رانندگی و آداب اجتماعی و نریختن زباله در کوچه و خیابان هم که دیگر نیازی به تشریح ندارد. اروپایی‌هایی که به ایران سفر کرده بودند اسم این وضعیت را گذاشته بودند «توحش». همه این بی-فرهنگی‌ها از جامعه ایرانی به یکباره رخت برپست. واقعا چرا؟ بگیر و ببند پلیسی و قانونی بوده یا یک حرکت خودجوش از داخل متن خانواده-ها. الان کمتر خانواده شهری و حتی روستایی هست که حداقل یک آدم تحصیلکرده و دانشگاهی در آن نباشد. خب این افراد مطمئنا بطور خودجوش در نقش مشاور و نصیحت کننده سایر اعضای خانواده ظاهر شده و از بروز چنین حرکات زشت و نابخردانه‌ای جلوگیری می‌کنند. حتی امروز راننده تاکسی‌ها و سبزی‌فروش‌ها هم بعضا تحصیلات دانشگاهی دارند. وقتی دقت کنیم متوجه میشویم بخش عمده‌ای از آنها فارغ التحصیل دانشگاه آزاد هستند. پس اگر منصفانه به قضیه دانشگاه آزاد نگاه کنیم باید بگوییم که "اگر انیشتن و ادیسون تربیت نکرده ولی در عوض، فرهنگ عمومی ایران را ارتقاء داده".